

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

۲۲ فبروری ۲۰۱۴

## حیله دور اسقاط در قبرستان افغانستان

۱

بحث اسقاط در کتب فقه توسط علمای کرام، تحت عنوان بحث (دور اسقاط و یا هم حیله دور اسقاط) تقریباً به تفصیل ذکر گردیده است. اسقاط و اعطای آن بر سر قبرستان ها، حین دفن متوفی در افغانستان از نظر بعضی از عوام الناس اشتباهاً به جزء حتمی از مراسم دینی دفن میت و امور تعزیت و مرده داری مبدل گشته، و بر آن تواتر دارند و حتی آن را حتمی، ضروری و از امور شرعی می پندارند. در این مبحث می خواهم حکم مسأله اسقاط را که با تقسیم مقداری از پول در قبرستان صورت می گیرد در روشنی نصوص شرعی مورد بررسی قرار دهم. قبل از پرداختن به اصل موضوع ضرورت است تا به بخشی از مفردات این مبحث و مسایلی که به این موضوع ارتباط دارند و مطرح شده می تواند، خدمت شما معلومات مقدماتی ذیل را تقدیم بدارم:

### حیله:

حیله در لغت از ماده حول ( ۱ ) به معنای تیزهوشی، مهارت، دقت نظر، (۲) دستیابی به طرق پنهان برای تحصیل غرض ( ۳ ) و چارمجویی (۴) استعمال می شود و در نصوص روائی نیز به همین معانی به کار رفته است. (۵)  
(۱) لسان العرب، ابن منظور، ج ۱، ص ۷۷۱؛ مصباح المنیر، فیومی، ج ۱، ص ۲۱۵؛ منتهی الارب، صفی پور ج ۱، ص ۲۹۲ -- (۲) لسان العرب، همان ص ۷۵۹ -- (۳) المفردات فی غریت القرآن، ۲۶۷؛ در مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۹۹ -- (۴) در سوره نساء آیت ۹۸: «لا یستطیعون حیله و لا یهتدون» -- (۵) واژه حیله و حیل در احادیث به معنای چاره، راه حل شرعی برای برخی مشکلات، وسیله و خدعه و فریب به کار رفته است.

### اما حیله در اصطلاح فقها:

حیله در اصطلاح فقها در معانی مختلفی به کار می رود که مهم ترین آنها عبارتند از:  
۱- حیله، توصل به راههای مباح برای انجام فعل حرام یا اسقاط واجب یا ابطال حق یا اثبات باطل است. ( المغنی، عبدالله بن قدامه، جلد ۴، صفحه ۱۷۹؛ الشرح الکبیر، عبدالرحمن بن قدامه، جلد ۴، صفحه ۱۷۹؛ کشاف القناع - البهوتی ج ۳ ص ۳۱۶ ).

۲- حیلہ، تلاش برای قلب برخی احکام ثابت شرعی به احکام دیگر به واسطه فعلی که در ظاهر صحیح؛ ولی در باطن لغو است؛ اعم از این که حکم تکلیفی یا وضعی باشد. (الموافقات، الشاطبی، جلد ۲، صفحه ۳۰۷ - ۳۰۶).  
 ۳- حیلہ، عبارت است از این که به واسطه‌ای که در اصل مشروع است، یک حکم به حکم دیگر تبدیل شود، (نشوة العلوانی، الحیل الشرعیة بین الحظر و الإباحة، صفحه ۲۳).  
 ۴- حیلہ، دستیابی به اسبابی است که احکام شرعی بر آنها مترتب است، و این اسباب گاهی حلال و گاهی حرام هستند. (مسالك الأفهام، الشهيد الثاني، جلد ۹، صفحه ۲۰۳).  
 چنانچه ملاحظه می‌شود همه تعریف‌ها که در فوق تذکر یافت در یک نکته با هم مشترک اند و آن این که حیلہ عبارت است از عملی که به منظور تغییر حکم شرعی، انجام می‌شود.  
 اکنون این پرسش مطرح می‌گردد که انسان چگونه می‌تواند حکم شرعی را تغییر دهد؟ جواب این است که حیلہ شرعی برای تغییر موضوعات احکام به کار می‌رود نه خود احکام، زیرا خود احکام به حسب حکم شارع تحقق می‌یابد، و قابل تغییر از ناحیه انسان نیستند.

### حیلہ اسقاط :

حیلہ اسقاط، عبارت از فدیہ ای است که در بدل نماز های قضائی و روزه های قضائی میت، که بدان وصیت نموده باشد از ثلث مال میت پرداخته می‌شود، طبق نظر برخی از فقها در بدل هر نماز و هر روز روزه ۱.۷ گرام گندم و یا قیمت آن باید تادیه شود. این در صورتی است که میت چنین مالی را در اختیار داشته باشد و بدان در حیات خویش وصیت نیز نموده باشد، تادیه آن واجب و در غیر آن عمل مستحب می‌باشد.

### دوره دایره حلیه اسقاط :

دوره دایره حلیه اسقاط، طوری که گفتیم عبارت از دوره ایست که برای تادیه فدیہ نماز ها و روزه فوت شده میت تدویر می‌یابد (در افغانستان معمولاً این دایره اسقاطی در قبرستان و احیاناً هم در مسجد) تدویر می‌یابد و مطابق اجتهاد برخی از فقها آن را حیلہ دور اسقاط نه به روش امروزی که معمول شده، جایز شمرده اند. این عده فقها برای جواز نظریه خویش استدلال می‌آورند: چون یک انسان در زندگی امکانات ادای قضای نماز و روزه را به دست نمی‌آورد، لذا در وقت مرگ بدان وصیت می‌نماید که ورثه از ثلث مالش فدیہ نماز های فوت شده و روزه های قضائی اش را تادیه نمایند، ولی در صورتی که سوم حصه مالی متروکه میت به اندازه و مقداری نباشد که فدیہ نماز و روزه قضائی و فوتی اش را تادیه نمایند، بناءً دایره حلیه اسقاط را برایش ترتیب می‌دهند، تا میت را از قرض و قرضداری نماز های فوت شده و روزه های قضائی معاف سازند. و وی را بری الذمه دفن نمایند. (تفصیل بیشتر موضوع را می‌توان (کفایت المفتی جلد ۴ صفحه ۱۷۲ - ردالمختار ۲ / ۷۲) مورد مطالعه قرار داد.

### خواننده محترم !

در افغانستان عادت چنین است، زمانی که کسی می‌میرد در جنب سایر مراسم عنعنہ ئی افغانها یک تعداد مراسم را بعد از وفات میت انجام می‌دهند که زیادتیر این مراسم اصل و اساسی در شرع اسلامی ندارند.  
 از جمله رسم اسقاط، خیرات ذی مصرف الی روز سوم، خیرات شام (نان شامی الی چهل روز) تدویر محافل شب جمعه، تدویر محفل به مناسبت روز چلهم، تدویر محفل به مناسبت یک سالگی، ختم قرآن توسط قاری های حرفه ئی در ظرف یک الی دو ساعت و غیره ....

متأسفانه باید گفت که برپا کردن این اعمال در دین مقدس اسلام اساس و پایه نداشته، این اعمال نه از قرآن عظیم الشان و نه از سنت نبوی صلی الله علیه وسلم و نه از اعمال صحابه و تابعین و ائمه مسلمین و سلف الصالحین ثبوت گردیده است. اکثر این اعمال، بدعت محض بوده و قابل ذکر است که فرو گذاشتن آن واجب هم می باشد و حتی برخی از این اعمال که معمولاً غیر قصدی صورت می گیرد ناروا هم می باشد.

یکی از اعمالی که محور بحث نوشته‌ها را تشکیل می دهد، حیلۀ دور اسقاط یعنی دادن فدیۀ از جانب میت به خاطر بدلۀ نماز و روزه ای که از متوفی قضا گردیده است، می باشد.

### ترتیب ادای اسقاط :

بعد از این که شخصی از دنیای فانی رحلت می کند و می میرد و به زندگی ابدی می پیوندد ، اقارب و ورثۀ میت با یک تعداد ریش سفیدان نزدیک و احیاناً ملا امام مسجد ، دور هم می‌نشینند و موضوع تدفین، غسل، جنازه، کفن، قبر، خیر و خیرات، موضوع اعلان و چگونگی فاتحه، انتقال جنازه و به خصوص در مورد (نماز ها و روزه های قضائی) و این که این فرایض را چطور از گردن و ذمت میت ساقط سازند، و به اصطلاح موضوع اسقاط بر میت را روی بحث جدی قرار می دهند.

بوده و هست مواردی که اگر متوفی مال داشته باشد، بدون اذن ورثه در حل موضوع اسقاط می پردازند ، و اگر نه اولاد های شان را وادر با تأدیۀ اسقاط نموده، اگر همچو مالی در اختیار داشته باشند، کار بدون مشکل پیش می رود در صورت عدم موجودیت سرمایه، اولاد بیچاره به رسم زمانه وادار به گرفتن قرض و یا هم گروهی و یا فروش ملکیت و از جمله زمین، خانه، باغ متوفی می گردند و موضوع خیر و خیرات و یا به اصطلاح موضوع اسقاط میت را بکطرف می نمایند.

طوری که در فوق یادآور شدیم :

بعد از این که میت به قبرستان برده شد تعدادی از به اصطلاح ملا و چلی و ریش سفید در یک حلقه در قبرستان نزدیک قبر متوفی دور هم جمع می شوند و به ترتیب و نظم در جنب یک دیگر با نظم خاص جابه جا می شوند، یکی از اقارب و یا نزدیکان متوفی در حالی که اسقاط معینه را به دست داشته به قطار گیرندگان حرفه ئی اسقاط تشریف می آورد که در دستش و یا هم احیاناً در پاکت ها پول می گذارند بایک جلد قرآن، جای نماز، احیاناً چین، لباس و غیره دسته بندی نموده و آن را در حلقه می گردانند.

اسقاط چنان حرفه ئی همین که اسقاط را تسلیم می گردند، می گویند (قبیلت - قبول کردم) و بدون وقفه آن را به نفر پهلوی خویش تسلیم و برایش می گوید (تقبیلت - قبول کردی؟ که در جواب: قبیلت - قبول کردم) و غیره الفاظ را به زبان جاری می سازند و بدین ترتیب قرآن ، پول و سایر اشیاء دست به دست شده و به اصطلاح در ادای دین الهی پرداخته و به این ترتیب به زعم شان میت را به اصطلاح به مال اندک و قلیل از گناه صغیره و کبیره پاک نموده و به اصطلاح خودشان متوفی را جنتی می سازند.

برخی از فقها استدلال می آورند: در حیلۀ اسقاط ذمۀ میت به مال قلیل به تفریغ ذمۀ میت اقدام می گردد، در حالی که اگر این مال برای فرایض فوت شده میت در یک سال مقایسه شود کفایت هم نمی کند ، بناءً ترتیب به راه انداختن این حیلۀ به نفع میت بوده و در بری ذمه شدن آن بهترین راه شرعی می باشد .

خواننده محترم !

قبل از این که حکم شرع در مورد حیلۀ اسقاط مورد بررسی قرار گیرد می خواهم وظیفه و مسؤولیت شرعی ورثه را بعد از حالات احتضار (رسیدن موقع فوت و وفات) مؤجز و مختصر بیان بدارم .

زمانی که انسان می میرد همانطوری که در مسایل تکفین و آمادگی به خاطر جنازه و امور تدفین با در نظر داشت وصیت میت (در صورتی که وجود داشته باشد) آمادگی صورت می گیرد ، در عرصه مالی باید مطابق شرع و وصیت در روشنی شرع باید اجراءات به عمل آرند .

طبق حکم شریعت ، بر اموال و ما ترک متوفی ، چهار حق اساسی تعلق پیدا کرده و بر ورثه متوفی لازم و واجب است تا آن چهار حق را مطابق حکم شرع به ترتیب، یکی بعد از دیگر به مرحله اجراء قرار دهند . آن حقوق چهارگانه عبارتند از:

#### اول:

- تکفین و تجهیز میت بدون هیچ گونه افراط و تفریط ، بدون زیاده روی و یا سخت گیری در تدفین میت، اقدام نمایند. یعنی حد وسط در تجهیز و تکفین میت را باید در نظر بگیرند .

#### دوم :

- پرداخت و ادای دیون و قرض های او ، اگر چه کلیه اموال و دارائی آن مرحوم را در بر گیرد. ادای دیون و قرض های میت بدین معنی است بعد از این که مبلغی برای مصرف تکفین و تدفین گرفته شد مابقی مال که از میت باقی می ماند در قدم اول اقدام به ادای قرض های متوفی یعنی که برعهده وی به نسبت دیگر بندگان خداوند متعال باقی مانده است اقدام نماید .

#### سوم :

- اجرای وصیت میت (در صورت وصیت کردن) از یک سوم از باقیمانده کل دارائی اعم از منقول و غیر منقول . اجرای وصیت میت از یک سوم مال میت در ادای روزه قضائی، قربانی، حج و غیره که برعهده او باقی مانده و ادای آنها از او فوت شده، لازم است که وصیت بکند تا فدیة آن را (چون روزه قضائی) ادا بکنند یا نیابتاً (چون حج، قربانی، زکات و صدقه فطر) از طرف متوفی به جای بیاورند.

#### چهارم :

- تقسیم باقیمانده دارائی بین ورثه طبق اصول و قواعد شرعی و علم میراث. اجرای این حقوق وظیفه ورثه بوده و در صورت عدم اجرای آن، هیچ گونه گناه و وبالی بر ذمه میت نخواهد بود فقط ورثه و کسانی که از اجرای این حقوق سر باز می زنند در پیشگاه پروردگار با عظمت گناهکار بوده و در روز قیامت در برابر عدل الهی جواب و مؤاخذه می شوند .

اگر صدقه و خیراتی از اموال میت قبل از هر گونه تقسیم و حصر وراثت (تشبیت ورثه به صورت شرعی) صورت گیرد، در صورت عاقل و بالغ بودن همه وراث و رضایت ایشان نسبت به این امر، هیچ گونه مشکل شرعی نداشته و می توان به دنبال تدفین میت، برای شادی روح ایشان، صدقه و یا خیرات نمود. اما در صورت عدم رضایت ورثه و لو یک نفر از آنها، و یا در صورت صغیر بودن ورثه و لو یک نفر از آنها، هر گونه صدقه و خیرات از اموال متوفی مطلقاً جائز نبوده و حرام می باشد.

بر علماء لازم است که حقوق یادآوری شده را به ترتیبی که ذکر شد رعایت کنند و آنها را پشت سر نیندازند، و گرنه در روز قیامت همانطوری که گفتیم ورثه میت مورد مؤاخذه قرار می گیرند ، علماء و دانشمندان دینی که در جریان این امور می باشند نیز مورد باز خواست و مورد مؤاخذه قرار می گیرند.

حال اگر شخصی فوت کرده و بر ذمه او مقداری از فرائض و واجبات مانده باشد که به دلایلی با وجود قدرت نتوانسته آنها را ادا کند، در این صورت برای آن شخص جایز است که قبل از وفات وصیت کند تا از يك سوم مال او فرایض و واجباتی را که بر گردن او مانده است، فدیة و قضائی آن را به نیابت از طرف او ادا کنند. (به شرطی که مال داشته

باشد)، پس در این صورت جاری ساختن وصیت میت از يك سوم مال نه بیش‌تر، بر ذمه ورثه واجب می‌باشد.

### یادداشت فقهی :

در صورتی که میت وصیت نکرده بود یا این‌که مالی نداشت، دادن فدیة‌های فرایض بر ورثه او لازم نمی‌باشد، اما اگر ورثه، بدون وصیت خواستند که فدیة‌های میت خود را ادا کنند، بنا به قول امام محمد امید است که خداوند متعال به فضل و کرم خود آن را قبول کند.

### خواننده محترم !

توجه شما را به چند نکته اساسی در مورد حیلۀ اسقاط که یک امر بدعتی و امروز به حیث یک ننک در قبرستان افغانها جریان دارد ، جلب نمایم .

هر مسلمان بالغ و مکلف موظف است ، در حیات خویش تکالیفی که شرع بر عهده اش گذاشته به وجه احسن و بنا به روشی و شیوه ای که شرع آن را تعیین کرده است، انجام دهد.

نباید فراموش کرد که ترک برخی از واجبات نزد برخی از علماء حتی کفر محسوب می شود ، از جمله ترک نماز به طور عمد و البته برخی از علماء گفته اند که اگر از روی تنبلی ترک نماز صورت گیرد و از حکم فرض بودن آن کسی منکر نباشد، این شخص کافر نخواهد بود ولی به ترک آن گناه کبیره را مرتکب شده است و گناه آن نسبت به زنا بزرگتر است.

اما اگر شخصی که مورد لطف الله تعالی قرار بگیرد او از گناہانی که در زندگی خویش مرتکب شده است ، توبه کند طوری که توبه نوعی رحمت الله تعالی است که نصیب شخص عاصی می گردد، توبه او مورد استجاب قرار خواهد گرفت .

بناءً شخصی که تابه حال واجبات خود را انجام نداده باید قلباً از گناہانی که به سبب ترک آن واجبات مرتکب شده پشیمان شود و نزد الله تعالی خالصانه توبه کند و از سوئی از رحمت الله تعالی نا امید نشود، خداوند تبارک و تعالی او را مورد مرحمت و بخشش خویش قرار می دهد ، طوری که به پیامبر خود محمد صلی الله علیه وسلم می فرماید که به مومنان بگوید:

« قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ » (سورۀ زمرايت ۵۳)

یعنی: بگو: (ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت پروردگار نومید نشوید که خدا همه گناہان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است . )

پس همین توبه را نیز نعمت الله بدانید و سعی کنید محکم بر توبه خود باقی بمانید و از این به بعد زندگی خود را بیهوده در راه هوی و هوس نگذرانید و به فکر توشه ای برای آخرت خود باشید.

### خواننده عزیز !

آیا تأدیۀ پول به جای نماز های فوت شده میت و یا هم قضائی روزه میت توسط شخص دیگری در شرع اسلامی مسموح می باشد یا خیر ؟ آیا در این مورد نص شرعی وجود دارد و یا خیر ؟ که جواب آن منفی می باشد . ولی با تأسف باید گفت: در برخی از مناطق افغانستان عادت طوری است زمانی که شخص می میرد دوازده سال او را در حال نابالغ بودن میت حساب کرده؛ و باقیمانده عمرش را با یک طبق گندم و یک مقدار پول (سوم)؛ حساب کرده هر ساله نمازهایی که قضا دارد می بخشند؛ بعداً او را غسل می دهند؛ و طوری که یاد آور شدیم، بعد برایش دور حیلۀ اسقاط (ب خصوص در مورد نماز های فوت شده، و روزه های قضائی) تنظیم می نمایند. (تفصیل آن ذیلاً در شرایط اسقاط ذکر خواهد گردید .)

طوری که در فوق یاد آور شدیم :

این کار هیچ اصل و اساسی در شریعت اسلام ندارد، و پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین کاری را اصلاً انجام نداده و به آن توصیه هم نفرموده است، و هیچ یک از صحابه و ائمه اربعه نیز بر آن نبوده اند، و قطعاً اگر چنین کاری صحیح و جایز می بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را برای امتش بیان می نمود و در ابلاغ آن هیچ تردید نمی کرد، اما در زندگی خویش هیچ گاه به انجام آن ارشاد ننمودند، و حتی صحابه کرام و تابعین عظام به چنین عملی دست نزده اند، از این رو این کار بدعتی در دین مقدس اسلام است و پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمایند: «**من عمل عملاً لیس علیه امرنا فهو ردّ**». متفق علیه «هرکس کاری کند که مطابق دین و سنت ما نباشد، مردود است».

و عبدالله بن عمر رضی الله عنهما شاگرد رسول خدا صلی الله علیه وسلم چه چیزی می فرماید:

«**کل بدعة ضلالة وإن رآها الناس حسنة**» «هر بدعتی گمراهی است اگر چه مردم آن را خوب ببینند».

( دارمی آن را با سند صحیح روایت کرده است)

ادامه دارد

تتبع و نگارش :

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان

و مسؤل مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی